

سفر دوره‌ای سیسی به کشورهای خلیج: تقسیم نقش‌ها میان ابزارهای استعمار

درحالی‌که اهل ما در غزه تحت وحشیانه‌ترین تجاوز رژیم یهود از زمان نکبت سال ۱۹۴۸ قرار دارند و مردم مصر از فقر شدید، بدهی‌های انباشته و فروش سازمان‌یافته ثروت‌های کشور رنج می‌برند، سیسی در سفری دوره‌ای به کشورهای خلیج، از جمله قطر و کویت، شرکت می‌کند؛ سفری که رسانه‌های وابسته از آن با عنوان «تقویت روابط دوجانبه و همکاری اقتصادی» یاد می‌کنند، درحالی‌که حقیقت امر، از منظر آگاهی سیاسی و شرعی، چیزی جز سفر خیانت‌بار و هماهنگی وظیفه‌ای میان نمایندگان غرب در سرزمین‌های مسلمانان نیست، برای تثبیت نفوذ استعمار و خدمت به امنیت رژیم یهود.

اولین چیزی که باید برای امت آشکار شود، حقیقت این ساختارهایی است که به‌دروغ «کشورهای مستقل» نامیده می‌شوند. چراکه عربستان سعودی، امارات، قطر و کویت کشور به معنای واقعی نیستند، بلکه ساختارهایی مصنوعی هستند که غرب پس از نابودی خلافت عثمانی آن‌ها را ایجاد کرد تا خطوط دفاعی منافعش باشند؛ و ایالات‌متحده اداره برخی از این ساختارها را در قالب تقسیم نقش‌ها میان قدرت‌های بزرگ برعهده‌گرفته است. از این‌رو، دیدار سیسی با حکام خلیج «دیدار برادران» نیست، بلکه جلسه‌ای است میان کارمندانی که تحت امر یک ارباب هستند تا دستورات او را اجرا کنند، به‌ویژه در زمینه امنیت منطقه‌ای، پایان دادن به قضیه فلسطین و پیشبرد پروژه‌های خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری خارجی.

سیسی به کشورهای خلیج رفته است تا آنچه از مصر باقی‌مانده را به فروش بگذارد؛ بندرها، کارخانه‌ها، خدمات و زمین‌ها، در مزایده‌ای تحت عنوان «سند سیاست مالکیت دولت» که بخشی از طرح آمریکا برای وابسته‌سازی اقتصاد مصر به صندوق‌های سرمایه‌گذاری خلیج است؛ صندوق‌هایی که در سلطه غرب قرار دارند تا تسلط کامل بر کشور از طریق اقتصاد نیز پس از تسلط سیاسی و نظامی محقق شود؛ بنابراین، هر «سرمایه‌گذاری خلیجی» در واقع تملک دارایی‌های مصر با کم‌ترین قیمت است و تبدیل این کشور از یک کشور تولیدکننده به مزرعه‌ای که خریدوفروش می‌شود؛ و همه این‌ها تحت نظارت و دیکته نهادهای غربی صورت می‌گیرد که سیاست‌های خصوصی‌سازی را طراحی کرده‌اند و آن‌ها را با عناوین فریبنده‌ای چون «اصلاح اقتصادی» تحمیل می‌کنند.

سیسی به دنبال حمایت اقتصادی به نفع مردم نیست، بلکه به دنبال تأمین مالی برای استمرار نظام امنیتی‌اش و تضمین بازپرداخت بدهی‌های انباشته‌اش به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است؛ آن‌هم در ازای وفاداری سیاسی‌اش به آمریکا و اجرای طرح‌هایش در منطقه؛ و کشورهای خلیج که نظام او را تأمین مالی می‌کنند، این کار را از روی محبت به مصر انجام نمی‌دهند، بلکه به‌دستور اربابانشان در غرب است برای تثبیت مزدورشان در قاهره؛ چراکه او خدمت‌گزار پروژه آنان در محاصره اسلام و از بین بردن جنبه سیاسی آن است.

درحالی‌که خون مردم غزه ریخته می‌شود، سیسی به قطر و کویت سفر می‌کند و مدعی است که «یاری‌رساندن به غزه» در دستور کار و اولویت‌های او قرار دارد؛ درحالی‌که در واقع، آنچه در اولویت‌های اوست، خلع سلاح مجاهدان غزه و تقویت هماهنگی امنیتی برای جلوگیری از هرگونه تحرک مردمی یا نظامی در حمایت از غزه است و تحمیل یک سازش امنیتی‌سیاسی که بقای رژیم یهود را تضمین کند. نقش او جلوگیری از باز شدن گذرگاه‌ها، مصادره هر سلاحی است پیش از آنکه به دست مجاهدان برسد و تأمین امنیت مرزها به‌منظور حفاظت از رژیم یهود از جانب جنوب؛ و این نقش خائنانه او، بر زبان متحدان یهودی‌اش نیز آشکار شده، آن هنگام که اعلام کردند میانجی مصری شرط خلع سلاح مقاومت را در ازای آتش‌بس و کمک‌ها گذاشته است؛ که نشان می‌دهد او از مرحله میانجی‌گری عبور کرده و به نمایندگی از سوی رژیم یهود تبدیل شده که از زبان آن‌ها سخن می‌گوید، خواسته‌هایشان را بیان می‌کند و در راه تحقق آن‌ها فعالیت می‌کند. پس سیسی و حکام خلیج نه به‌عنوان رهبران امت، بلکه به‌عنوان نمایندگان منافع استعمارگران حرکت می‌کنند؛ بی‌تفاوت به خون‌های ریخته‌شده در غزه، بی‌اهمیت به رنج مردم مصر و بی‌اعتنا به فقر مسلمانان؛ چراکه تمام دغدغه آنان، رضایت غرب از ایشان و بقای تاج‌وتخت‌های فرسوده‌شان است.

این سفر بخشی جداگانه از پروژه «ائتلاف منطقه‌ای» نیست؛ پروژه‌ای که آمریکا به دنبال آن است و هدف از آن، ادغام رژیم یهود در منطقه و تشکیل یک محور امنیتی تحت رهبری آن می‌باشد؛ محوری که مصر، کشورهای خلیج، اردن و تشکیلات خودگردان فلسطین را در برمی‌گیرد، به‌بهانه مقابله با خطر ایران.

اسلام بر امت واجب کرده است که یک دولت داشته باشد، یک خلیفه و یک ارتش؛ نه حکومت‌های متعدد و وفاداری‌های پراکنده؛ و همه این ساختارهای کشوری، از نظر شرعی ساختارهایی باطل‌اند که نماینده امت نیستند، بلکه نماینده سایکس‌پیکو و تصمیمات استعمارند.

ای اهل کنانه (مصر): منتظر حرکت سیسی و حکام خلیج یا سایر حاکمان مسلمان برای یاری اسلام نباشید؛ چراکه آنان ابزار استعمارند، خدمت‌گزاران او در سرزمین‌های ما و سربازان او در جنگ علیه دین ما. نجات از زیر پای اینان نمی‌آید، بلکه از دستان امت و ارتش‌های آن می‌آید؛ اگر وفاداری‌شان را به الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وسلم بازگردانند و در پی رهبری‌ای مخلص حرکت کنند که با جدیت، آگاهی و بصیرت، پروژه خلافت را در پیش گیرد.

ای اهل کنانه، ای نوادگان صحابه و تابعین، ای فرزندان سرزمین عقیده و جهاد: سیسی نماینده مصر نیست و نماینده مردم آن نیست؛ بلکه نماینده دشمنان آن است. نماینده کسانی است که در کمپ دیوید آن را فروختند و تصمیم‌گیری‌اش را در گرو صندوق بین‌المللی پول نهادند و ارتش آن را به‌جای آزادسازی بیت‌المقدس، نگهبان مرزهای رژیم یهود ساختند. پس فریب سفرهای او و دروغ‌هایش را نخورید. مصر کشوری فقیر نیست، بلکه خیراتش به نفع غرب غارت می‌شود و دارایی‌هایش به صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی خلیج فارس به فرمان واشنگتن فروخته می‌شود.

شما ای افسران و سربازان ارتش مصر: آیا راضی نیستید که مانند انصار گذشته باشید؟! آیا به شرافت نصرت اشتیاق ندارید؟! همانا نصرت شما به حاملان دعوت برای برپایی خلافت، فریضه‌ای از سوی الله سبحانه و تعالی بر شماست؛ و شما امروز در برابر دو گزینه هستید: یا اینکه ابزاری در دست استعمار باقی بمانید برای خدمت به منافعش، یا آنکه مانند گذشته بازگردید به‌عنوان سربازان الله سبحانه و تعالی تا سرزمین را آزاد کنید و نور را بر دوش کشید.

«وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» «و الله سبحانه و تعالی بر کار خویش چیره است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

برگرفته از شماره ۵۴۴ جریده الرایه